



## کتابی نو در حوزه روانشناسی اجتماعی

روانشناسی اجتماعی: رهبری و قدرت: تأثیرات از تباط جمعی؛  
افکار عمومی و فعالیت سیاسی  
ادوین پی. هولنسر و همکاران  
احمد زر ضوایی  
آستان قدس رضوی (به نشر)  
۱۳۷۸، ۴۶۵ صفحه

### مرتضی کتبی

عضو هیات علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

«که می‌تواند شامل وادار کردن زهر شود»  
فویایی که این نقش را در بر می‌گیرد مستلزم مساعدت  
از راه هیات نمایندگی هوشمندانه‌ای است»  
«قدرت در شرایط شناختی مورد استفاده قرار می‌گیرد»

همچون در مورد مکان هندسی مشهود کنترل»  
«ضروری است تحولاتی را که دیدگاه‌های معاصرتر را  
وجود آورده‌اند بشناسیم.»

«بخش عمده‌ای از مسأله زنان در مقام رهبر در عقاید  
منسوخ درباره فعالیت و استیلا نهفته است»  
«مدیران زن اساساً متفاوت از مردان نیستند دقیقاً موردتأیید  
داده‌ها قرار نگرفته‌اند»

«ریاست جمهوری مضمونی است که مثالهایی آماده از  
نیاز به این مفهوم گسترده‌تر، که مثلاً می‌توان آنرا در کلیشه  
لزوم «رهبری قوی» مشاهده کرد ادامه می‌دهد و حتی جمله‌ای  
در پشت جلد کتاب:

«... بویژه از موضوعهایی است که بیش از همه بحث‌ها  
و گفتگوهای را در روان‌شناسی اجتماعی به خود معطوف داشته  
است»

وصدا جمله از این دست تسلط ایشان را به زبان مادری  
و نثر علمی نشان نمی‌دهد و قرائت کتاب را بسیار خسته کننده  
می‌سازد.

علاوه بر ضعف‌های ترجمه و نگارش، اشکالات دیگری  
نیز در کار است که ذیلاً فهرست می‌کنیم.

(۱) در شناسنامه کتاب آمده: «این کتاب ترجمه فصل  
بسیست و دوم از کتاب Hand Book of social  
psychology می‌باشد در حالی که در یادداشت مترجم  
می‌خوانیم: «انتخاب فصلهای ۲۲، ۲۳ و ۲۵ برای چاپ در این  
مجلد صرفاً به دلیل سنجیت این فصلها با هم بوده است.»

(۲) معلوم نیست به چه علت نام مولفان فصول ۲ و ۳  
حذف و به جای آن در روی جلد از عبارت «همکاران» استفاده  
شده است. اصطلاح همکاران در فرهنگ علمی به کسانی  
اطلاق می‌شود که در یک کار مشترک شرکت داشته باشند در  
حالی که چه بسا پژوهشگران کتاب اصلی دو جلدی وسی  
فصلی کمترین همکاری - بنا به تخصص خود - یا یکدیگر  
نناشته‌اند.

(۳) فهرست منابع و مأخذ فصلها از انتهای هر فصل و  
پایان کتاب حذف شده است. مترجم این کار خود را «به دلیل  
حجم بیش از حد فهرست‌ها» توجیه می‌کند. با توجه به غنای  
مراجع که خواننده کنج‌کاو و متخصص را به پیگیری کار  
ترغیب می‌نماید حذف آنها چنانچه گناه نباشد اشتباه علمی  
تلقی می‌شود.

به هر تقدیر، ضمن تشکر از مترجم محترم، موفقیت وی  
را در ادامه کار خواهیم.

باز هم کتاب معتبر دیگری در رشته شیرین روان‌شناسی  
اجتماعی انتشار یافته در واقع این کتاب که حاوی سه فصل  
۲۲، ۲۳ و ۲۵ می‌باشد از یک اثر دو جلدی مشتمل بر ۳۰ فصل  
برگرفته شده است.

مترجم با انتخاب این سه فصل نشان داده که مایل است  
بر جنبه مهمی از روان‌شناسی اجتماعی که «فترت جمعی» است  
تکیه کند. با توجه به کمبود اطلاعات در این زمینه از علوم  
اجتماعی ما، این انتخابه حسن سلیقه و مشکور است.  
سه فصل بالا عبارتند از (۱) رهبری و قدرت، اثر ادوین پی.  
هولنسر، استاد دانشگاه دولتی نیویورک در ۱۳۲ صفحه (۲) تأثیرات  
ارتباط جمعی نوشته داند اف. رابرتس و ناتان مکوی در ۱۳۰  
صفحه و بالاخره (۳) افکار عمومی و فعالیت سیاسی بقلم داند  
آر. کینر و دیوید. اسیرز در ۱۹۴ صفحه.

ارزش کار همه پژوهشگرانی که دست به تنظیم این اثر  
حجیم علمی زده‌اند در جامعیت استجرام و تحلیل داده‌های آن  
است به طوری که مجموعه این از ساختار پژوهشی معتبر و  
پیشرفته‌ای برخوردار شده و شکل کاملاً پژوهشی به خود  
گرفته است. مراجع بیشتر فراوانند از مابین‌ها بسیار غنی و گویا  
شواهد زنده و اطلاعات به روز.

فصل نخست که به موضوع مهم قدرت و در نتیجه  
رهبری می‌پردازد این پدیده‌های پیچیده اجتماعی را از دیدگاه‌های  
مختلف موردبررسی قرار می‌دهد و الگوهای مختلف موجود را  
معرفی می‌کند و رابطه بین انواع رهبری‌ها را با مردم به تصویر  
می‌کشد.

فصل دوم که برای جامعه علمی ما کمتر تازگی دارد به  
ارتباط جمعی اختصاص یافته و کارکردها، فرایندها و الگوهای  
استفاده را در هر یک از رسانه‌ها بویژه تلویزیون و مطبوعات  
نشان می‌دهد.

فصل سوم به ماهیت افکار عمومی و انواع فعالیت‌های  
سیاسی، انتخاب‌های جمعی، مشارکت‌های اجتماعی و نیز  
نقش رسانه‌ها در این فعالیت‌ها می‌پردازد.

بی هیچ شکی، نشر کتاب حاضر در عرصه علوم اجتماعی  
در ایران می‌تواند بسیار مفید باشد. زیرا جنبه‌های بسیار حساس  
و ظریفی که در هر ۳ فصل به تحلیل کشیده شده از نظر  
موضوعات، فرضیه‌ها، نظریه‌ها و تنوع پژوهش‌ها آفاق بازی را  
در مطالعات پیش چشم ما می‌گشاید.

با وجود این نمی‌توان نادیده انگاشت که فایده این کتاب  
چند برابر می‌شد اگر ترجمه آن بهتر از آنچه که هست انجام  
می‌گرفت. نثر دشوار و بعضاً مغلول کتاب این فکر را در خواننده  
سرگردان و عصبی ایجاد می‌کند که مترجم محترم نو پاست و  
با باعلوم اجتماعی آشنائی کافی ندارد و با انتخاب چنین کتاب  
پر جاذبه و علمی برای ترجمه بیگانه به آب زده است. متأسفانه  
جملاتی از قبیل: «شود بین یک رهبر و پیروان»

نویسندگان کتاب، ادعای کنند که  
سواى معیار خطابه، معیارهای متمایز دیگری  
نیز برای ارزیابی علم اقتصاد وجود دارد.  
سؤال اصلی آنها این است که مفهوم حقیقت  
چگونه می‌تواند در چارچوب خطابه  
به دست آید



ثانیاً آنها توضیح نمی‌دهند که چگونه می‌توان آن دسته  
از ساختارهای علی را که ارزش شناخت دارند مشاهده  
کرد. بنا بر یک تفسیر اقتصادسنجی این ساختارها را در  
قالب دستگاه معادلات همزمان می‌توان مشاهده کرد.  
اما بسیاری از اقتصادسنجان نشان داده‌اند که مسئله  
غامض گزینش الگو در چنین چارچوبی، توسل به  
تخمین‌های ساختاری را در پژوهش‌های تجربی با  
بن‌بست کامل مواجه می‌کند.

تفسیر دیگری که از دیدگاه اقتصادسنجی در مورد  
ساختارهای علی ارائه شده است، مبتنی بر مشاهده  
روابطی تاریخی است که نسبتاً پایدار به نظر می‌رسند.  
اما، آن دسته از اقتصادسنجان که چنین مفهوم غیرنظری  
از علیت را تلویحاً نموده‌اند، اذعان دارند که چنین مفهومی  
به واسطه محدودیت‌هایش با درک متعارف ما از علیت  
مغایر است. علاوه بر این، مدعای نویسندگان مبنی بر  
اینکه نظریه ضروری و اجتناب‌ناپذیر است، برخلاف چنین  
تفسیری از مشاهده‌پذیری علت‌ها می‌باشد. ثالثاً،  
نویسندگان کتاب، الگوسازی ریاضی را به عنوان هدف  
فرعی نظریه اقتصادی محض رد می‌کنند و بدین ترتیب  
بسیاری از آثاری را که اقتصاددانان هم اینک در دست  
دارند، نادیده می‌انگارند، از باب نمونه، مباحث وجود،  
منحصر به فرد بودن و پایداری [تعادل] از طریق  
مشاهده‌پذیری هدایت نمی‌شوند.

برخلاف آنچه نویسندگان کتاب سعی در قبولاندن  
آن به ما دارند، مفهوم مشاهده‌پذیری نقش عمده‌ای در  
تحول علم اقتصاد بازی نکرده است. به علاوه، تمایزی  
که آنها میان اقتصاد نظری و کاربردی قایل می‌شوند  
زمانی اعتبار خود را از دست خواهد داد که توجه داشته  
باشیم در رویه عملی علم اقتصاد، موفقیت در تبیین  
پدیده‌ها نقش قابل ملاحظه‌ای در ارزیابی نظریه‌ها و  
عللی ایفا می‌کند که خود جزء عوامل تبیین‌کننده  
محسوب می‌شوند.

خوانندگانی که علاقه شدیدی به مسایل فلسفی و  
روش‌شناختی داشته باشند، نکات فراوانی از این کتاب  
خواهند آموخت. این کتاب ارزیابی و توصیف بسیار دقیقی  
از برنامه‌های پژوهش واقع‌گرایی و خطابه در  
روش‌شناسی علم اقتصاد آرایه می‌دهد. هم چنین نکات  
مطروح در این کتاب یکی از معدود مباحث مربوط به  
روش‌شناسی

علم اقتصاد است که در آن اذعان می‌شود فلسفه  
تحلیلی معاصر سرشار از عکس‌العمل‌های گوناگون است  
به فروپاشی فلسفه علم پوزیتیویستی.